



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



گذارنده : گوٹ جانباز | اختصار سخنرانی الکساندر لوکاشینکو سخنرانی الکساندر لوکاشینکو
۲۰۲۳/۰۶/۲۹

رئیس جمهور بیلاروس در رابطه به بحران "واگنر- پریگوژین"

الکساندر لوکاشینکو پرده از صحبت های تلفونی با ولادیمیر پوتین و یفگینی پریگوژین پرده برداشته و جزئیات میانجیگری خود را برای حل بحران که با "واگنر- پریگوژین" به وجود آمد، برملا ساخت

- من پرسیدم [از پوتین]: او [پریگوژین] کجاست؟
- در شهر رستوف.
- من: صلح کم رنگ، بهتر از هر گونه جنگ است. عجله مکن. من کوشش می کنم با او [پریگوژین] داخل تماس شوم.
- او [پوتین]: یک بار دیگر گفت: بی فایده است.
- من اصرار ورزیدم: به هر حال، صبر کن.

لوکاشینکو:

صحبت تلفونی اول من با پریگوژین درست سی دقیقه دوام کرد. طی تمام این مدت دشنام و ناسزا ده برابر بیشتر از ادبیات عادی بود. البته او [پریگوژین] بعداً از این الفاظ خود عذر خواهی نمود. پریگوژین و همراهان اش (جنگجویان گروه "واگنر") قابل درک اند. آنها تازه از جبهه برگشته و هزاران همسنگر خود را از دست داده اند، و این همه را به چشم خود دیده اند. این جنگجویان واگنر بسیار آزرده هستند، مخصوصاً آنده از قومندانان واگنر که در راس جزواتم های تهاجمی قرار داشتند، شخص پریگوژین را تحت تأثیر خود قرار داده بودند. این ها کسانی اند که مرگ را با چشمان خود دیده اند.

شما تصور کنید که آنها (واگنرها) در همچو یک اوضاع، در سراسیمگی و بی هوشی داخل شهر رستوف شدند. من در همچو یک وضعیتی با پریگوژین گفتگوی تلفونی انجام دادم.

لوکاشینکو: من از او [پریگوژین] پرسیدم:

تو چه می خواهی؟

پریگوژین در جواب گفت: من هیچ چیز نمی خواهم، فقط بگذار شوئیگو (وزیر دفاع) و گیراسیموف (لوی درستیز) را به دست من بدهند، و من باید با پوتین ملاقات نمایم.

من [لوکاشینکو] به او گفتم:

ژینیا (نام کوچک یفگینی)، هیچ کس به تو نه شوئیگو، نه گیراسیموف و نه هم کس دیگری را نمی دهد، مخصوصا در اوضاعی که اکنون به وجود آمده است. تو پوتین را خوب تر از من می شناسی؛ پس از آنچه به وقوع پیوست، او [پوتین] نه تنها با تو ملاقات نخواهد کرد، بلکه حتی در تلفون هم گفتگو نمی کند.

پریگوژین در تلفون به سر دادن غوغا و فریاد زدن شروع نموده گفت :

ما انصاف و عدالت می خواهیم. آنها می خواهند ما را خفک کنند. ما به سوی مسکو پیش روی خواهیم کرد!

به او گفتم :

علیرغم آنکه قوا در جبهات مربوطه مصروف اند (این موضوع را به او از پوتین نقل قول نمودم) در نیمه ی راه، ترا مثل خسک له خواهند کرد.

در ادامه به پریگوژین گوشزد نمودم : در مورد آنچه گفتم، خوب فکر کن!

او [پریگوژین] در جواب : نی، نی و باز شروع نمود به غوغا سالاری...

من دیر زمانی تلاش نمودم او را قانع سازم و سرانجام خاطر نشان ساختم :

میدانی، هر چه دل ات می خواهد همانطور کن، لیکن باز از من گلایه نکنی. یک لوا برای اعزام به مسکو آماده شده، و دقیقا مانند سال ۱۹۴۱ (مرادم را گرفتی، تو کتاب خوان استی) ما از مسکو دفاع خواهیم کرد.

خطر آن می رفت که بی نظمی و شورش ها تمام روسیه را فرا گیرد، زمینه ها برای انکشاف اوضاع با همین سناریو وجود داشت، و معلوماتار که در نوبت دوم ما [بیلاروس] قرار داشت.

با اینهمه، به یک راه گشا نیاز بود، و این راه گشا پیدا شد.

لوکاشینکو در قسمت دیگری از سخنرانی اش خطاب به حضار پرسید :

پریگوژین کیست؟ و خود جواب ارائه میدارد :

- او یکی از افراد بسیار قابل اعتبار در قوای مسلح است. شاید کسی این گفته مرا نپذیرد، بگذار.

بنابراین، من به پوتین گفتم که ما او [پریگوژین] را از بین برده می توانیم. شاید یک بار نتوانیم، لیکن بار دوم حتما از بین اش می بریم. با اینهمه تأکید نمودم :

اینکار را نکنید! چون در آن صورت باز حرف از هیچگونه مذاکراتی در میان نخواهد بود. از این "پسر- بچه ها" (جنگجویان کمپنی "واگنر") هرکاری ساخته است. آنها [پسر- بچه ها] را نیز می توانیم از بین ببریم، لیکن هزاران هزار اهالی بی گناه، و آنهائیکه با "واگنرها" به تقابل خواهند پرداخت، نیز قربانی خواهند شد. این در حالیکه "واگنر" یکی از حرفه ای ترین واحد نظامی در اردو است. پس، قبل از آنکه در پی از بین بردن باشیم، باید اندیشید که فردا و پس فردا چه چیزی رخ خواهد داد، یعنی باید خود را تکلیف دهیم و "فرا تر از بینی خویش بنگریم". این را باید مخصوصا آنده از غوغا سالاران که این موضوع را نشخوار می نمایند، در نظر داشته باشند.

پریگوژین در ادامه گفتگوی تلفونی با من تکرار می کرد:

ما به طرف مسکو پیشروی خواهیم کرد، ما صادقانه جنگیدیم، ما عدالت و انصاف می خواهیم، شما خود تان می دانید که ما در چه شرایطی جنگیدیم.

من گفتم : می دانم.

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

پریگوژین خاطر نشان ساخت که رقابت میان اردو و کمپنی او به راه افتیده بود، و این رقابت ناسالم بود. نزاع میان شخصیت ها، بین افراد معلوم الحال منجر به جدال کنونی شد.

در اینجا می خواهم یک ملاحظه داشتم. به هیچ صورت نباید از من، از پوتین یا از پریگوژین قهرمان سازی شود. در واقعیت ما نتوانستیم وضعیت به وجود آمده را پیش بینی نمائیم، آنرا پیشگیرانه مدیریت کنیم، پیش زمینه ها را در نظر نگرفتیم. بعدتر، وقتی اوضاع تا این حد پیش رفت، ما [لوکاشینکو و پوتین] هنوز هم سیل بین بودیم و تصور می کردیم که اوضاع خود به خود به حالت عادی برخواهد گشت. لیکن اوضاع عادی نشد، و در نتیجه، دو کسی که عملا در جبهات می جنگیدند در تصادم قرار گرفتند، (پریگوژین و شوئیگو).

من این همه را از نزدیک میدانم، چون در درون همین دیگ جوش می خوردم. من از فعالیت های شوئیگو آگاهی دارم، انتقادات بالای او در اغلب موارد وارد نیست. شوئیگو بار ها اینجا [بیلاروس] آمده است. ما مذاکرات بسیار جدی داشته ایم. نقش شوئیگو در روابط با ما برانزده بوده است. آنچه ارتباط میگیرد به یفگینی پریگوژین، موقف او قابل درک است. ناگفته نماند که در پاره موارد کرکتر های آنها [شوئیگو و پریگوژین] مشابه اند، البته پریگوژین جذباتی است و این معمول ماجرا را شعله ور ساخت...